

شنبه · ۱۱ خرداد ۱۳۹۲ · سال دهم · شماره ۷۰۱۷۴۷	
روزنامه	
سیاست	
بررسی اولویت دولت یازدهم؛ گفت‌وگو با دکتر هر میداس باوند	صفحه ۸
سایه و روشن دیپلماسی ایران؛ گفت‌وگو با عزت‌الله عزتی	صفحه ۹
گرو کشی انتخاباتی دیپلماسی	صفحه ۱۰

نگاه	
دیپلماسی؛ «دیگران» و «ما»	
اهمیت سیاست خارجی در انتخابات در جهان به‌طور کلی و در ایران به‌طور خاص بحثی جالب و بنیادی است و بسیار مرتبط و موثر در آینده و سرنوشت ما. در واقع این بحث به دو بخش «دیگران» و «ما» تقسیم می‌شود و در نهایت می‌توان با مقایسه‌ای میان تفاوت‌های دیگران و ما رویکردی داشت و نتیجه یا نتیجه‌هایی گرفت. اما پیش از آنکه مستقیما و به تفکیک به این دو مقوله بپردازیم لازم می‌دانم به‌عنوان مقدمه از دیدگاه خود نگاهی به رویکرد سیاست خارجی به‌طور کلی بیندازم. هدف سیاست در هر کشور و توسط هر دولت به‌طور کلی و اصولی، تامین حداکثر منافع ملی است. دیدگاه سیاسی بیشتر کاربرد عمومی و دولتی دارد یعنی صیانت از منافع ملی و دیدگاه‌های حقوقی که بیشتر کاربرد دارد و گروهی دارد (یعنی صیانت از حقوق به‌طور کلی) با وجود مشابهت‌هایی که دارند، می‌توانند آثار بسیار متفاوتی ایجاد کنند. در واقع مطلوب‌ترین وضع آن است که دولتی بتواند منافع ملی خود را در عرصه بین‌المللی در چارچوب حقوق ملی‌اش صیانت کند.اما اگر توان و اقتدار لازم را برای این کار نداشته، یعنی اگر تلاش برای حفظ منافع ملی منجر به از دست رفتن حقوق ملی شد، یعنی منافی به دست نیاید و حقوقی هم از دست رده،دولت چیست؟ این بحثی است عملی و عینی که معمولاً در سیاست خارجی مطرح می‌شود. مثلا ایران با امضای «قرارداد گلستان» بخشی از حقوق ملی خود را به صورت امتیازات راضی به روسیه واگذار کرد و منافع ملی نیز پامال شد. سعی دوباره ایران دفاع از حقوق ملی بود و بی‌آنکه به توان و اقتدار خود بیندیشد، ۱۳سال بعد به روسیه حمله کرد و دو سال بعد به شکستی سخت تن داد و سرزمین‌های تاریخی و منافع بسیاری را از دست داد و ... آلمان‌ها در جنگ جهانی اول به شکستی مشابه «عهدنامه گلستان» ایران تن دادند و ناچار سرزمین‌ها و منافی را به همسایگان واگذار کردند. ۲۰سال بعد احق طلبانه و انتقام‌جویانه آلمانی با راه یار انداختن جنگ جهانی دوم درصدد استرداد حقوق و منافع از دست رفته برآمد و به تر کماچمای آلمانی منجر شد این‌بار با مرجع‌داشتن منافع ملی به چنان قدرت اقتضادی، صنعتی، علمی، فرهنگی و راهقی تبدیل شد که هرگز در چنان سطحی نبوده و نظیری نداشته است. زاین نیز راه مشابهی پیمود. اینان شکست‌خوردگان جنگی در راه حقوق ملی (از دیدگاه خوششان) بودند، که با در پیش گرفتن راه منافع ملی از شکست‌دهندگانشان پیشی گرفتند. در نهضت ملی ایران، تلاش برای بیل به حقوق ملی به موفقیت نسبی انجامید، اما ادامه عملکرد حقوقی به جای واقع‌بینی سیاسی، در مجموع منافع ملی را خرد کرد. با این مقدمه می‌خواهم به تأثیر سیاست خارجی کشورها در دوران انتخابات اشاره کنم و بگویم وقتی کشورهای جهان اغلب منافع ملی را به محورت قدرت ملی یا توان ملی هدف‌غایی سیاست خود قرار می‌دهند، در زمان انتخابات این منافع را اصولا در چارچوب مرزهای ملی قابل حصول می‌دانند. به عبارت دیگر تابعی از سیاست‌های خارجی آنها نیست. دولت‌ها در طول زمان در امور خارجی برای کشورشان سپرها و شیوه‌های باتباتی برقرار کرده‌اند که زیاد تابع تغییرات ایدئولوژیک، درون ساختار حکومتی آنان نیست. بنابراین احزاب و نحله‌های فکری گوناگون شیوه‌های اقتصادی و اجتماعی مورد نظر خود را در اداره امور داخلی کشور تبلیغ می‌کنند و تغییرات و تعبیرات سیاست خارجی در آن گونه‌نمجاللات جای چندانی ندارد. جز این‌که گاهی بر مواردی نسبتا مشابه تاکید می‌کنند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که در دورانی طولانی در سیاست خارجی کشورها کشمکش‌کننده در گرایش به دو بلوک رقیب میان سیاستمداران داخلی ایجاد کرده بود، ثبات در سیاست خارجی به دور از آنگونه رقابت‌ها بیشتر هم شده است. در ایران وضع قدری فرق می‌کند. ایران خصوصا از جنبش مشروطیت تا کنون دوران سیاست‌زدگی پر فراز و نشیبی را پیموده است که به دلایل گوناگون برای سیاست خارجی در سرنوشت خود اولویتی استثنایی قابل شده است. هنوز جنبش مشروطه به بار نشسته بود که از آزادی و دموکراسی برداشته هرچ‌موج‌طلبانه شد و در هر گوشه کشور، تفنگدارانی به پاسداری از آزادی پرداختند و بعد جنگ جهانی اول و مداخلات خارجی و سقوط روسیه و برپایی شوروی و تلاش این کشور نوزاد به سلطه‌جویی و ... به این ترتیب دشمنی با انگلیس که کینه‌هایی به عنوان پشتوان داشت، در دوران دو جنگ به گرایش‌هایی به آلمان‌ها منجر شد و سپس با آتش‌افروزی و زیاده‌خواهی‌های انگلیس در نهضت ملی ایران و وقایع متعاقب آن و تلاش و تبلیغ موفقیت‌آمیز «حزب توده»، به احساسات شدید غرب‌هراسی و غرب‌ستیزی تبدیل شد، که حتی برخی نیروهای ملی و انقلابی تندرو بعدی نیز وارثان همان رویکرد شدند که آنان را در مسیر «انزواطلبی» هدایت کرد. غرب نیز در این ستیز، شکیبایی و مدارای لازم را نشان نداد. خصوصا در زمانی که از برخی سیاست‌های اعلام شده و تکرار بی‌حاصل و غیر لازم آن مثلا درباره هولوکاست و... تفسیر و تعبیری حاکی از جنگ طلبی ایران به منظور اضمحلال اسرائیل تلقی شد، بی‌آنکه حقوقی تامین شود منافع بسیاری به مخاطره افتاد. در واقع ریشه برخی مخاصات غرب با ایران و بهانه‌جویی‌های مربوط به انرژی هسته‌ای همین برداشت‌ها و تفسیرهاست. و این درحالی است که حتی اغلب برداشتهای عربی در این مخاصمه و تحریم‌ها جالب همان غرب حامی اسرائیل را گرفته‌اند. سیاست خارجی درباره انتخابات ایران، چه از دیدگاه بیرونی یعنی انتظار اینکه چه کسی انتخاب خواهد شد و چه از دیدگاه درونی حایز اهمیت است، هر چند نباید فراموش کرد که اینگونه مقولات حیاتی معمولاً فراتر از دیدگاه‌های مقامات اجرایی، تعیین و اجرا می‌شود، اما به هر حال می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها موثر باشد.	
ادامه در صفحه ۱۰	

دريچه	
انتخابات یازدهم و سیاست خارجی	
در تبلیغات ریاست‌جمهوری به‌ویژه مدل آمریکایی آن سیاست‌ خارجی از مواردی است که معمولا می‌تواند موقعیت یک نامزد را به‌شدت ارتقا دهد یا به‌طور قطع مقدمه ناکامی او را فراهم کند. در تاریخ ایالات متحده دوره‌های خاصی وجود داشته است که برنامه نامزدها برای سیاست خارجی توانسته است راه را برای ورود یا دور شدن نامزد ریاست‌جمهوری از کاخ‌سفید‌هوار کند.به‌عبارت‌دیگر سیاست خارجی برای سیاست داخلی تعیین تکلیف کرده است. در تاریخ ایالات متحده آمریکا چه در سال‌های دو قطبی جنگ سرد و چه در دوره پیش‌تزاری پس‌ساجنگ سرد، سیاست خارجی در‌دوره‌هایی نقش کلیدی و تعیین‌کننده داشته است. نگرانی افکار عمومی برای سیاست خارجی و امنیت ملی برای پیگیری این بوده است که آیا کشورشان جنگ را در میلیون‌ها کیلومتر دورتر به‌راه خواهد انداخت؟ ادامه خواهد داد؟ و اینکه کندیدایی مورد نظرشان فرد قابلی برای این مسیر هست یا خیر؟ سیاست خارجی برای رای‌دهندگان آمریکایی بیشتر مساله رهبری آمریکاست. سال ۱۹۶۴ رای‌دهندگان آمریکایی در مقابل تبلیغات تندروهایی که «جول «بری گولد واتر» جمع شده بودند، دلیل پر ناب بمب اتمی را به «لیندون جانسون» میانه‌رو سپردند. در تمامی سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ سایه جنگ ویتنام کلیلد ارزیابی افکار عمومی از ریاست‌جمهوری بود. سال‌های بعدی به‌واسطه واکنش مساله دفاع از متحان آمریکا، به عوامل منطقه‌ای امنیت‌ساز به نفع ریچارد نیکسون پیش می‌رفت. در رقابت‌های انتخاباتی ۱۹۸۰ میان کارتر و رونالد ریگان گروگانگیری در سفراتخنه امریکاد در تهران موجب تضعیف موقعیت نامزد دموکرات و اقبال افکار عمومی به رونالد ریگان جمهوریخواه شد. نارضایتی نسبت به ادامه جنگ در عراق و ناهمخوانی ادعاهای دولت بوش پسر در مورد جنگ عراق و دلزدگی مردم از این روند باعث شد تا رای‌دهندگان آمریکایی در انتخابات ۲۰۰۸ باراک‌اوباما را انتخاب کنند. چنین حساسیتی در میان افکار عمومی آمریکا نسبت به موضوع سیاست خارجی قابل‌فهم است. آمریکا یک قدرت سیاسی با حضوری جهانی و با‌بردی وسیع است. اما گویا حساسیت نسبت به سیاست خارجی در دوره یازدهم ریاست‌جمهوری کشورمان نیز از اهمیت خاصی برخوردار شده است. چرا؟ قبول معروفی میان کارشناسان سیاست خارجی و ژئوپولیتیسین‌ها در مورد ایران وجود دارد و آن اینکه، ایران بعد از روسیه پرمشاهیه‌ترین کشور دنیاست و در نتیجه «کشوری بین‌المللی» است و بعضی نقل‌قول‌هایی تاکید می‌شود که ایران در مهم‌ترین مکان جغرافیایی دنیا نشسته است. بنابراین کشوری که بنابر اظهار نظر کارشناسان روابط بین‌الملل موقعیت مهمی از دنیا را در دست خود دارد، ناگزیر از برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارآمد برای برقراری و مدیریت روابط متعدد و متنوع خود با همسایگان و حوزه‌های جغرافیایی در سیاست خارجی‌اش است. سیاست خارجی ایران رویکردی حوزه‌های جغرافیایی عمدتا ناهمگنی قرار دارد. از آسیای مرکزی گرفته تا خاورمیانه عربی، از شبه‌قاره گرفته تا قفقاز جنوبی در شرق مدیترانه برنامهریزی‌ها و کدهای ارتباطاتی خاص خود را طلب می‌کنند. مسایل خاص سیاست خارجی ایران مثل تقسیم منحصربه‌فرد حوزه آبی دریای‌خزر نیز معادلات خاصی را برای رابطه با همسایگان دور و نزدیک ما فراهم آورده است و لزوما سیاست خارجی ایران باید یکی از فعال‌ترین و درعین حال کارآمدترین بخش‌های برنامه‌ریزی و سیاستگذاری باشد.	
ادامه در صفحه ۱۰	



عکس: عباس کوثری، شرق

آیا این مسیر تنها گزینه است؟ آیا راهی عزتمندانه برای بیرون رفتن از این دایره معیوب وجود دارد؟

✎ **تحریم‌هایی که علیه تهران در حال اجراست، تاکنون در چه کشورهای دیگری تجربه شده است؟ تنها مورد عراق و کویتاست؟**

تحریم‌های ظالمانه فعلی در مورد کشورمان شدیدترین تحریم‌های اعمال‌شده علیه یک کشور بوده است. شیوه‌های جدید اعمال شده حتی در مورد کشورهایی که نام بردید، اجرا نشده بود. ابتکارات جدیدی به خرج داده‌اند که بی‌قانونی و ظلم را به حداکثر رسانده است. اما در ادبیات اقتصادی و سیاسی تحریم، گفته می‌شود که تحریم «گزینه قبل» یا «گزینه دیگر» جنگ است. به عبارت دیگر چون حمله نظامی هزینه زیادی دارد بنابراین ابتدا با فشار اقتصادی آغاز می‌کنند تا دو هدف را برآورده سازند. یا اینکه طرف مقابل در همین مرحله کوتاه می‌آید و دیگر نیازی به اقدام نظامی نیست، یا اینکه در صورت اقدام نظامی به دلیل فرسودشدن توان اقتصادی طرف، هزینه پیروزی کمتر خواهد بود. البته من به آینده خوشبین و مطمئن هستم که نظام، راهی برای بیرون‌رفت از این دایره معیوب یا دور باطل پیدا خواهد کرد تا عزتمند و پیروزمندانه از این مشکلات بیرون بیاییم.

✎ **در یک‌سال گذشته در مواردی به دلیل تحریم‌ها، بر خلاف قرارداد اولیه، در ازای نفت و گاز صادر شده ایران، گندم یا کالا پرداخت شده است. آیا این مبادله به نفع اقتصاد ماست یا نه؟ آیا دیپلماسی کشور می‌توانست در این موارد کاری کند؟**

بنده اصولا با هرگونه «تهاتر» مخالف هستم مگر اینکه راه و چاره دیگری نباشد. در هر گونه «تهاتر» هزینه انجام معامله افزایش می‌یابد. کالای صددلاری را دست کم به قیمت ۱۲۰دلار خریداری می‌کنید. حالا اگر در شرایط تحریم هم باشید طبعاً هزینه معامله گران‌تر خواهد بود. گاهی تا دو برابر یا بیشتر نیز افزایش می‌یابد. بنابراین باید چارهای اندیشید که مجبور به انجام تهاتر نباشیم. دیپلماسی قوی و عزتمند بین‌المللی بهترین گزینه برای رهایی از این وضع است.

✎ **آیا مشکلاتی که ناوگان کشتیرانی ایران با آن مواجه شده، بر اثر درست عمل کردن دستگاه دیپلماسی می‌توانست، رفع شود؟**

استفاده کارآمد از ابزار دیپلماسی، طبعاً ممکن بود از به وجودآمدن چنین شرایطی جلوگیری کند. بنابراین اگر دیپلماسی به کار می‌افتاد و به‌طور موثر و با سیاست‌های مناسب به اجرا درمی‌آمد نیازی به توسل به شیوه‌های غیرمعمول و هزینه‌زای تجاری نبود.

✎ **از سه دوره ریاست‌جمهوری هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد در کدام دوره تحریم‌ها شدیدتر بود؟ در کدام دوره کمتر بود؟**

پاسخ به این سوال روشن است. به نظر می‌رسد کشور هیچ‌گاه در چنین وضعیتی قرار نداشته است درست است که همواره فشارها و برخی تحریم‌ها علیه کشور وجود داشت ولی در عین حال روابط تجاری کشور با تمام اروپا در جریان بود و روابط مالی و بانکی با جهان عادی بود. در حال حاضر ما در این زمینه دچار انسداد راه‌های معاملات بین‌المللی شده‌ایم.

✎ **در دولت آینده در حوزه منطقه‌ای شرایط ارتباط ما با کشورهای تاثیرگذار منطقه چگونه باید باشد؟ کشورهایی مانند عربستان، ترکیه، عراق، مصر و...**

فعلا از دولت آینده و نگاه و رویکرد آنها اطلاعی نداریم. می‌توان حدس زد که اکثریت کسانی که علاقه‌مند به قبول مسؤولیت خطیر ریاست‌جمهوری هستند، از وضعیت نامطلوب فعلی در کی روشن دارند و بنابراین می‌توان امیدوار بود که آنها فکری به حال بیرون‌آمدن از دایره معیوب بکنند. برخی کشورهای منطقه که وزن و جایگاهی ندارند، انقدر گستاخ شده‌اند که با پول و درآمد حاصل از منابع گازی مشترک ما، علنا علیه منافع ما وارد کارزار شده‌اند. در چهارطرف ما کشورهای همسایه قد علم کرده‌اند و به طرق مختلف خط‌ونشان می‌کشند. همه این رفتارها را هم نمی‌شود با بازی قدرت و نیروی نظامی و امنیتی سرچایشان نشاناد باید کرد که جایگاه بین‌المللی کشورمان چنان شود که همه خود را ملزم به رعایت جایگاه کشورمان بکنند.

✎ **به نظر شما رییس آینده دولت ایران یعنی دولت یازدهم، در موضوع هسته‌ای با چالش مواجه است یا موضوع به‌صورت عادی طی می‌شود؟**

در بحث هسته‌ای به نظرم دولت آینده در موضع بهتری قرار دارد زیرا ما در این زمینه گرچه با هزینه زیاد ولی به پیشرفت‌های غیرقابل برگشتی رسیده‌ایم. مثلا اینکه ما می‌خواستیم فناوری غنی‌سازی را داشته باشیم و آن را اعمال کنیم هم‌اکنون به‌رغم بی‌میلی ابرقدرت‌ها آن را داریم و حتی می‌توانیم تا ۲۰درصد را غنی کنیم. اگر تصمیم بگیریم بیشتر از آن هم می‌توانیم انجام دهیم. بنابراین آنطور که می‌خواستیم جزو کشورهای معدودی قرار گرفت‌ایم که این فناوری را دارند. بنابراین ما به هدف‌های قبلی خود رسیده‌ایم. حالا باید سیاستی را در پیش بگیریم که از آنچه به دست آورده‌ایم حفاظت و نگهداری کنیم. بنابراین می‌توان یا باید طرحی نو برای این موضوع داشته باشیم. به نظر می‌رسد موضوع هسته‌ای امروز با ۱۰سال قبل متفاوت است. شرایط فرق کرده است. با درک تفاوت وضع فعلی می‌توان راه‌های جدیدی برای خروج از بن‌بست اندیشید.

برخی ضریب چهار هستند. گرچه پاسخ به دروس دارای ضریب یک مهم است ولی مهم‌تر از آن دروس با ضریب چهار است. این دروس است که سرنوشت شما را تعیین می‌کند. هر کشور در پهنه روابط بین‌المللی از وزن و جایگاه خاصی برخوردار است. برای بازیگری موثر در دنیا، باید با آنها که از وزن و جایگاه بالاتری برخوردارند روابط موثر برقرار کرد.

✎ **در این شرایط رییس‌جمهور جدید – صرف‌نظر از اینکه چه کسی باشد – با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود؟**

از دید بنده بسیار ناگوار است که همچنان معیشت مردم و گرانی و سختی زندگی مهم‌ترین چالش کشور است. رییس جمهوری جدید باید مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی را در پیش بگیرد تا این مطالبه مهم و به حق مردم را به‌طور مناسب پاسخ دهد. در بخش بین‌المللی به نظر نمی‌رسد ادامه سیاست‌ها و اقدامات جاری راه به جایی متفاوت ببرد. اگر وضعیت جاری را مطلوب نمی‌دانیم پس باید طرحی نو درانداخت تا شیوه برخورد ما با مسایل و بازیگران جهان را بازتعریف کند و بتواند امنیت و منافع ملی کشور را بهتر و کم‌هزینه‌تر تامین کند. باید سیاست‌هایی در پیش گرفت که سایه تهدیدهای اقتصادی و نظامی را کاهش دهد یا به‌کلی از بین ببرد و اجازه استفاده از ظرفیت‌های ملی را دهد.

✎ **دولت دهم در حالی به پایان می‌رسد که حیطه تحریم‌ها به ایجاد ممنوعیت برای ورود ارز و حتی ورود طلا به کشور، رسیده است، آیا می‌توان ر قمی از میزان خسارت وارد شده به اقتصاد ایران بر اثر تحریم‌ها داد؟**

در مورد اعلام میزان خسارت ناشی از تحریم‌ها به صورت علنی احتیاط فراوان در نظر گرفته می‌شود زیرا اینطور ممکن است برداشت شود که این کار آب به آسیاب دشمن ریختن است. یعنی ممکن است باعث شود تحریم‌کنندگان تصور کنند حال که هزینه‌های تحریم افزایش یافته پس تحریم‌های خود را تشدید کنند و هزینه‌ها را با این هدف که سیاست خود را به کرسی بنشانند افزایش دهند. بنابراین در مورد هزینه‌ها به دو نکته باید بسننده کرد. مورد اول اینکه تحریم‌ها هزینه‌های زیادی تحمیل کرده است ولی به‌رغم این هزینه‌ها نتوانسته‌اند خواسته‌های خود را بر ما تحمیل کنند. نکته دوم این است که باید شیوه‌ای را در پیش گرفت که از این دور باطل بیرون بیاییم. چون اگر در آن دور باطل بمانیم تنها راهمان این است که با افزایش فشارها از طرف مقابل، ما هم بسزایم و فشار بیشتر را تحمل کنیم. رابطهای که یک‌سوی آن تهدید و تحریم و افزایش فشار و فرسوده کردن توان یک طرف است و دیگر سوی آن هم تحمل فشار و مقاومت در برابر آن نمی‌تواند پایدار باشد. باید از خود به‌پرسم

 	 	 	 	 	
در بازی شطرنج ،گرچه ،بازی صحیح با سربازان مهم است ولی مهم‌تر این است که چگونه می‌توانید با مهره‌های دارای وزن بالاتر بازی کنید. چون پیروزی یا شکست شما در گرو بازی با مهره‌هایی است که از وزن بیشتری برخوردارند. وقتی در دروس مختلفی امتحان می‌دهید برخی دارای ضریب یک و برخی ضریب چهار هستند					



بررسی راهکارهای مقابله با چالش دیپلماتیک در گفت‌وگو با محمدحسین عادل

بازی با مهره‌های بزرگ



✎ **زینب اسماعیلی‌سیویری**

سیدمحمدحسین عادل، رییس کل اسبق بانک مرکزی است اما به همان اندازه که بر مسایل اقتصادی اشراف دارد به واسطه تجارب سفیربودن، به حوزه دیپلماسی نیز توجه دارد. او سفیر ایران در ژاپن، کانادا و انگلستان بوده و معاون اقتصادی وزارت خارجه نیز بوده است. عادل اکنون استاد دانشگاه و رییس موسسه مطالعات «روند» است. او از اولویت دیپلماسی در حل مشکلات کنونی می‌گوید و ضعف‌هایی که به واسطه بی‌دبیری در این حوزه، به اقتصاد کشور وارد آمده است، مصاحبه «شرق» با رییس کل اسبق بانک مرکزی را در ادامه بخوانید.

✎ **ارزیابی شما از استراتژی سیاست خارجی دولت نهم و دهم چیست؟**
در روابط خارجی با کشورهای دیگر دو ابزار مهم وجود دارد: یکی دیپلماسی و گفت‌وگو است و دیگری بازی قدرت که همان به رخ کشیدن قدرت تخریب و نیروی نظامی است. این دو در سیاست خارجی لازم و مکمل یکدیگر هستند. اولی اصل است و دومی در عین مهم بودن فرع. وقتی دیپلماسی به‌طور قوی اجرا می‌شود، کشور به اهداف خود می‌رسد و نیازی به استفاده از بازی قدرت نیست. ولی اگر دیپلماسی شکست بخورد، آن‌وقت کشورها به ناچار متوسل به بازی قدرت می‌شوند. دیپلماسی عموماً یک اتوبان دوطرفه است که در آن امکان هر‌گونه مانور وجود دارد درحالی‌که بازی قدرت خیابان یکطرفه‌ای است که انتهای آن پیروزی یا شکست است. بنابراین کشورها ترجیح می‌دهند تا جایی که می‌شود به بازی قدرت متوسل نشوند که همانند قمار است و پردیاخت دارد، در حالی‌که در دیپلماسی و گفت‌وگو امکان «برد-برد» وجود دارد. مخلوط این دو هم قایل‌تصور است. در مخلوط این دو در واقع بازی قدرت فقط برای پشتیبانی از دیپلماسی و بازدارندگی جلو می‌آید. خلاصه در همه وضعیت‌ها دیپلماسی اصل است. دستگاه‌های اجرakنده این دو هم متفاوت هستند. طبیعی است دیپلماسی را دولت و دستگاه سیاست خارجی و بازی قدرت را دستگاه‌های فغانی و امنیتی دنبال می‌کنند. هر کدام باید وظیفه خود را انجام دهند. نباید یکی جایگزین دیگری شود. بدترین وضعیت در سیاست خارجی کشورها این است که دستگاه دیپلماسی از خودش ابتکار نداشته باشد و دنباله‌رو دستگاه‌های مسوول بازی قدرت باشند. در واقع در جایی که دیپلماسی به حاشیه رانده می‌شود به ناچار بازی قدرت باید از منافع حیاتی کشور دفاع کند ولی این شرایط مطلوب نیست.

✎ **با این مقدمه سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم را در مجموع موفق می‌دانید؟**

ارزیابی موفق یا ناموفق از یک سیاست در درجه اول به نتیجه و محصول آن و در درجه دوم به نوع نگاه و رویکرد ارزیابی‌کنندگان بستگی دارد. در مورد نتیجه سیاست‌ها باید از خود به‌پرسم الان در چه وضعیتی قرار داریم؟ یعنی وضعیت فعلی که نتیجه سیاست خارجی اعمال شده است، چیست؟ برای ارزیابی آن هم باید ببینیم که آیا روابط خارجی اعمال شده توانسته است با کشورهای

جهان و همسایه‌ها روابط مفیدی برقرار کند؟ آیا توانسته است تهدیدهای اقتصادی و نظامی را کم و فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی را افزایش دهد؟ آیا سیاست خارجی توانسته است سوءتفاهم را کاهش دهد و ادبیات مورد مبادله با کشورها را از ادبیات «خصمانه» به ادبیات «خنثی» یا «دوستانه» بدل کند؟ آیا صادرکنندگان ما می‌توانند به آسانی وارد بازارهای دنیا شوند؟ آیا انحصار در معاملات خارجی با کشورها زیاد شده است؟ آیا شهروندان ما می‌توانند در صحنه بین‌المللی از رفتار برابر با شهروندان کشورهای دیگر برخوردار باشند و عزتمند و سربلند باشند؟ اگر پاسخ به این پرسش‌ها منفی باشد، می‌توانیم نتیجه بگیریم که شاید سیاست‌های اتخاذ شده گزینه‌های مناسبی نبوده‌اند.

ولی این ارزیابی هم به نوع رویکرد و نگاه ما وابسته است. اگر نگاه ما این باشد که وضع فعلی سرنوشت محتوم ما بوده و تازه ما خیلی بیشتر از اینها باید تحت‌فشار قرار می‌گیرتیم ولی توانسته‌ایم تاکنون جان سالم به‌در ببریم، آنگاه ارزیابی ما بسیار متفاوت خواهد بود. به نظر می‌رسد که مردم ارزیابی صحیحی از وضعیت موجود دارند و خواهان استفاده از گزینه‌های دیگری در روابط خارجی هستند و از این نوع نگاه چیزی درک نمی‌کنند

✎ **در سال‌های دولت نهم و دهم اولویت دیپلماسی، اغلب کشورهای کوچک یا نه‌چندان قدرتمند بود، در ارتباط با این کشورها ما چه نفعی بردیم؟ آنها به چه اندازه نفع بردند؟ منظورم ارتباط با کشورهای مانند ونزوئلا، کینه، سودان، غنا، کومور و... است.**

در بازی شطرنج ،گرچه ،بازی صحیح با سربازان مهم است ولی مهم‌تر این است که چگونه می‌توانید با مهره‌های دارای وزن بالاتر بازی کنید. چون پیروزی یا شکست شما در گرو بازی با مهره‌هایی است که از وزن بیشتری برخوردارند. وقتی در دروس مختلفی امتحان می‌دهید برخی دارای ضریب یک و